

جان مک کین و قورباغه بازی

در عراق

بعد از هنگامه یازده سپتامبر 2001 ،
حضرات امپراتوری فخریه امریکا از جمله
اربابان جمهوری خواهانش ، هرگاه نیت خیری
داشته باشند و دلشان برای مردم امریکا و
نیمچه مردم دنیا بتپد بن لادن و طالبان را
علم می کنند و برای نمایش این لولو
خورخوره و این هیولا که مثل آب خوردن آدم
می خورد ، اینجا و آنجا آتش بازی راه می
اندازند و ناگهان می بینی که پاکستان در
هم می شکند ، افغانستان عقب گرد می کند و
دوباره طالبان رو می آید و تا خرخره مسلح
می شود و شورشیان از هر گوشه و کنار دیگر
هم مانند هند و ترکیه و سر در می
آورند و بدین ترتیب آقای مک کین هم از سر
دلسوزی توپ و تفنگ آتش افروزی را حواله
مردم دنیا می کند و تا دنیا را از بیخ و
بُن بر نکند و در ویرانه های آن با اسکلتش
به سرگردانی گرد و خاک نکند سر جایش
نخواهد نشست و دم فرو نخواهد بست . که
هندوانه پوک و آفت زده قهرمانی را هم زیر
بغلش داده اند و او نیز قهرمانی را به
خود گرفته و با خنده ملیحش هندوانه را
حمل می کند . قهرمانی که طیاره اش را با
تیرکمان انداخته اند و آقا را هم اسیر
گرفته اند که بعد هم به ترفند قهرمانی با
خفت و خواری گریخته است و آرزوی پیروزی
را از ویتنام به عراق و افغانستان منتقل
کرده است و به خاطر همین آرزو در امتداد
کشت و کشتار دم به دم تکرار می کند I know
how to win the war و سرباز تیرکمان خورده

اینچنین خود را مجرب در لشکربانی و واجد شرایط در کشورداری می داند ، اما ،

retired Gen. Wesley Clark:

I don't think getting in a fighter plane and getting shot down is a qualification to become president."

حمّالِ هندوانهٔ تو خالی امروز و بمب های تو پُرِ دیروز ، اگر طیاره اش را ساقط نمی کردند ویتنام را با سعهٔ نفس و گشاده دستی زیر و زبر می کرد و جنبنده ای را هم زنده نمی گذاشت و چه باد غروری که امروز در غبغب شُل و ولش می انداخت و چه مباحاتی که به ویرانگری و کشتار آدمیزاد می کرد . هرچند تا همینجا هم دستش آلوده به خون و خاکستر است .

[John McCain](#) - Wikipedia, the free encyclopedia

He was flying his twenty-third bombing mission over North **Vietnam**, when his A-4E Skyhawk was **shot down** by a missile over Hanoi.....

سربازان و درجه داران با کوله بار شرمساری از آسمان غبار گرفتهٔ ویتنام به خانه باز گشتند ولی دولت ها با احتمال خفت و خواری باز متنبه نشدند و به هر بهانه خاک دیگران را اشغال کردند و بمب های سنگین توان را بر فراز آبادی ها و بر سر مردمش ریختند به غایتی که امروز جان مک کین هم اسلحه به دست می خواهد اختیار دنیا را در دست بگیرد و در معیت باربی مو پلائیش جوانان خودی را برای ریختن خون جوانان غیر خودی روانهٔ کشتارگاه کند .

Wolf Blitzer ، از برنامه داران شبکهٔ

تلویزیونی CNN از مک کین در بارهٔ زمان خروج سربازان امریکایی از عراق که اباما در برنامه اش ارائه داده و همخوانی آن با زمانی که نوری مالکی نخست وزیر عراق در

ملاقات اخیر با اباما به آن اشاره کرده است می پرسد ولی پاسخ درست نمی شنود و حضرت قهرمانی همچنان آسمان ریسمان می بافد و همچنان تکرار می کند ما باید در این جنگ پیروز شویم و تا پیروز نشویم عراق را ترک نخواهیم کرد . گوینده CNN دوباره صراحتاً می پرسد اگر شما رئیس جمهور شوید و نخست وزیر عراق بخواهد که سربازان عراق را ترک کنند چه می کنید ؟ که دوباره پرسش ناشنیده گرفته می شود ولی Wolf مجال سفسطه نمی دهد و دوباره می پرسد اگر مالکی بخواهد که سربازان بیرون بروند شما چه می کنید؟

- نمی خواهد . نخواهد خواست .

- از کجا می دانید ؟

- من او را می شناسم . من او را خیلی

خوب می شناسم . من لیدر های دیگر را هم

خوب می شناسم .

یعنی که غلط می کند این را بخواهد .

یعنی او و آن دیگران جرأت و جسارت فضولی

ندارند . یعنی که اینها دست نشانده و

خادمان ما هستند و یعنی که اینها تصمیم

گیرنده نیستند چشم و گوش به فرمان ما

دارند این ما هستیم که باید به آنها

بگوییم چه بخواهند یعنی که عراق

مستعمره ماست و **ما خون سیاه این**

مستعمره را خواهیم مکید و با کودک و

پیر و جوانش قورباغه بازی خواهیم کرد

.

آقای مک کین از مجریان قانون جنگل یعنی

تسلط قوی بر ضعیف و از مقلدان و منت کشان

جرج دبلیو بوش است و به همین جهت اگر

آقای بوش در زمان نوجوانی قورباغه بازی

می کرده ایشان به وقت فاتحه خوانی می

خواهد قورباغه بازی کند . (روایت می کنند جرج بوش در پانزده شانزده سالگی در شکم قورباغه ها ترقه می گذاشته و با تفنگ بادی آنها را منفجر می کرده است) . راست و درستش به گردنِ راوی .

اما باراک اباما که در تلاش فراهم آوردن صلح و آرامش به دنیا از سر ناچاری برای جذب و جلب رای یهودی ها و یا باورش هواداری اسرائیلِ پروار را می کند ، با اینهمه آشوب و اینهمه در هم ریختگی که در پیش پایش گسترده اند تا قامتش را بشکنند ، گمان نمی رود ماهی های نیمه جان و در آتش پرتاب شده را بتواند بی درد سر و به آسانی به آب برگرداند .

سخن اینجاست که اگر امریکا و هر آن دیگران به سود و سودای خود هوای اسرائیل را دارند و نمی خواهند گردی به عارض متجاوزش بنشینند ، رژیم بخت برگشته ایران که علم دشمنی با اسرائیل را برافراشته و به طرفداری و حمایت گروه های عرب تبار ساز و دهل برداشته و از دست آوردِ ملت تهی دست به یاری آنها همت گماشته و با دولت مردان از همین تبار رابطه سازی و دست و دل بازی می کند ، بداند که ملت ایران ، ملت تازیانه خورده دیکتاتورهای اندرونی می داند که این همسایگانِ خرد و درشت در کوچکترین و بزرگترین موقعیتی که دست داده کوچک و بزرگ به خاک ایران تاخته اند و آنها هم که نتاخته اند ادعای تصاحب گوشه کنار آن را داشته اند و دیکتاتور ها و جانیان را پناه داده پرستاری و تیمار خواری کرده اند و هرگز حرمت و خواست ملت ایران برایشان مطرح نبوده است . همه می دانند در آغاز انقلاب یاسر عرفات به ایران و سلام خمینی آمد و از مهر و

مهمان نوازی میزبان برخورداری فراوان
یافت ولی شاید همه ندانند که به وقت حمله
و تجاوز صدام حسین به ایران همین آقای
عرفات به عراق رفت و در دیداری که با
صدام داشت صدام را بوسید و با این روبروسی
صدام را تأیید کرد . که سلام و روبروسی
اعرابی هم بی توقع نیست .
ونکوور ، 30 اگوست 2008